



شماره ۵۵، سال پنجم - خرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ژوئن ۲۰۰۹

نشریه برونمرزی

جبهه ملی

ارگان نیروهای ملی ایران

پیام جبهه ملی ایران

سرمقاله

هوشنگ کردستانی

آیا حضور در انتخابات به سود منافع و مصالح ملی است؟

از شرایط جهانشمول یک انتخابات آزاد، آزادی قلم و بیان و رسانه ها و همچنین وجود احزابی برخاسته از میان مردم است که آزادانه فعالیت کنند.

هنگامی که از انتخابات در ایران سخن گفته می شود می بینیم ابتدایی ترین شرایط در جامعه ما حاکم نیست و دیگر آنکه وسایل و لوازم قانونی آنها با برگزاری یک انتخابات مردمی هماهنگی ندارد. امروز بحث از انتخابات رئیس قوه مجریه به نام رئیس جمهور است که برابر قانون اساسی جمهوری اسلامی از اختیارات محدودی برخوردار است و شخص اول مملکت نیست و تصمیمات او نه قطعی است و نه لازم الاجرا.

از سوی دیگر با وضع مقررات نظارت استصوابی که همه کاندیداها باید از آن عبور کنند امکان حضور داوطلبان مستقل وجود ندارد. در انتخابات فعلی که کمتر از دو ماه به آن مانده است مثل همیشه دگراندیشان اجازه فعالیت نیافته اند. به نظر می رسد این انتخابات نیز چون انتخابات در سه دهه گذشته باشد و با نگاهی به صحنه انتخابات حضور دو

بقیه در ص ۳

بیزاری مردم نسبت به نمایش انتخابات

آزادی و حاکمیت مردم که از دست آورده های ارزنده و ارزشمند انقلاب مشروطیت بود، با استقرار حاکمیت اسلامی از میان رفت و بجای نمایندگان مردم، کسانی در رأس قدرت قرار گرفتند که خود را نماینده الله بر روی زمین و یا رئیس جمهور امام زمان می نامند.

روشن نیست با وجود این گونه نمایندگی هایی که برای خود قائلند چه نیازی به برگزاری نمایشی به نام انتخابات و کشاندن مردم به پای صندوق رأی گیری دارند؟

آنان ضمن آنکه خود را نمایندگان قدرت های آسمانی می دانند، با این وجود نیاز به اجرای نمایشی بنام انتخابات و کسب حقانیت مردمی دارند تا نشان دهند که استبداد مذهبی، نمودی مردم سالار بوده و از حمایت مردمی برخوردار است.

از این دیدگاه است که مردم هر چند سال یک بار آنها را برای شرکت در انتخابات فرمایشی و صحنه گذاردن بر گزینش شورای نگهبان اهمیت می یابند و پس از آن دوباره چون دشمن یا صغیر محسوب می شوند.

جوهر آزادی و حاکمیت مردمی آیا جز این است؟ آزادی یعنی: آزادی بیان و نوشتار، آزادی انتشار رسانه های خبری، آزادی تشکیل احزاب و سازمان ها و اتحادیه های صنفی و کارگری، آزادی تشکیل اجتماعات، آزادی نامزد شدن در انتخابات و ...

حاکمیت مردم یعنی آنکه: سرنوشت اداره کشور در دست مردم و قدرت حکومت کردن در اختیار نمایندگان باشد که آزادانه بر می گزینند.

در نظام مردم سالاری، اختیار تصویب، تغییر و تعویض قانون اساسی با مردم است.

در نظامی که هیچ یک از آزادی های سیاسی و اجتماعی، حتی اقتصادی و فرهنگی را تاب نمی آورد؛ اصول منشور حقوق بشر را به رسمیت نمی شناسد؛ مردم اختیار گزینش نمایندگان مورد خواست خود را ندارند و عده ای به بهانه و دستاویز مذهبی بودن، نماینده الله بر روی زمین یا برگزیده امام زمان بودن برای خود حق برتری و حکومت کردن قائل

بقیه در ص ۶

در این شماره می خوانید:

- بیزاری مردم نسبت به نمایش انتخابات
هوشنگ کردستانی
- آیا حضور در انتخابات به سود منافع و مصالح ملی است؟
پیام جبهه ملی ایران
- چه کسی جای چه کسی نشسته؟
- تأسیس مجدد مکتبخانه ها ننگی دیگر ...
بهرام معصومی
- نام نیک رفتگان ضایع مکن
نیو نابت
- بیانیه حزب ملت ایران به مناسبت ۳ خرداد
- خبرهای داخلی و ورزشی
- در گذرگاه تاریخ
سروده بیرنگ شاعر برجسته افغان

ایران متعلق به همه ایرانیان است

چه کسی جای چه کسی نشسته؟

بیانیه جبهه ملی ایران

روز جهانی کارگر بر کارگران ایران مبارک باد

هموطنان عزیز

در آستانه روز جهانی کارگر هستیم. کارگران میهن ما در شرایطی سخت و توان فرسا روزگار می گذرانند. آنان پیوسته نگران فردای خویش اند. دستمزدهای ناچیزی که اکثر در برابر کار در محیط های غیر استاندارد و نامناسب به آنان داده می شود تأمین کننده حداقل زندگی آنان نیست. مبلغ تعیین شده از سوی وزارت کار بعنوان حقوق ماهانه بسیار کمتر از مبلغی است که مسئولین اقتصادی کشور آنرا خط فقر نامیده اند و به این اعتبار همه کارگران ایران زیر خط فقر زندگی می کنند. خبرهایی که گاه گاه در رسانه ها درج می شود حاکی از اعتراض کارگران به صورتهای تجمع و تحصن در کارخانه هاست. بسیار هستند کارگرانی که ماههاست حقوق ماهانه خود را با گرانی های کمرشکنی که وجود دارد، دریافت نکرده اند و اعتراض قانونی آنان با خشونت پاسخ داده می شود. برای خاموش نگاهداشتن صدای کارگران به آنها اجازه تشکیل اتحادیه های صنفی و سندیکائی، که برابر اعلامیه جهانی حقوق بشر حق مسلم آنهاست، داده نشده است و اگر در مواردی استثنائی سندیکائی بتواند در ارتباط با سندیکاهای بین المللی کارگری اعلام وجود کند مأمورین حکومتی آنانرا غیرقانونی شناخته و به شدت سرکوب می کنند که نمونه آن سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران است که رئیس و معاون آن برای تشکیل سندیکا متهم به تشویش اذهان عمومی شده و زندانی اند.

در سال ۱۳۸۷ برابر گزارش کارشناسان امور کارگری بیش از ۲۰۰۰۰۰ هزار کارگر بیکار شده و ۴۰۰ واحد اقتصادی تعطیل گردیده اند. در سالی که گذشت، دهها کارگر به دلیل اعتراض به ناپسامانی های محیط کار و عدم دریافت دستمزد روانه زندانها شده اند.

کارگران ایران پیوندی ناگسستنی با کارگران جهان دارند و اول ماه مه را پیوسته در هر شرایطی که بوده اند گرامی داشته و از آن برای اعلام خواسته های خود بهره برده اند. کارگران ایران خواستار لغو محدودیت های تشکیل اتحادیه ها و سندیکاها هستند.

کارگران می خواهند قانون کار بنحوی اصلاح شود که حقوق انسانی آنان تأمین شود.

کارگران خواستار کار در شرایطی منصفانه و رضایت بخش هستند.

جبهه ملی ایران با بزرگداشت روز جهانی کارگر اعلام می دارد که نباید تبعیض جنسیتی وجود داشته باشد. همه حق دارند بدون هیچ تبعیضی برای کار، مزد برابر دریافت کنند. کارگران باید از تأمین شغلی برخوردار باشند. اخراج کارگران و بیکارسازی آنان به پنهان رکود اقتصادی باید متوقف گردد.

جبهه ملی ایران کار کودکان را غیرانسانی می داند و خواستار پایان بخشیدن به این استثمار است. ما مؤکداً می خواهیم که کارگرانی که برای حقوق صنفی خود و یا دگراندیشی در زندان هستند فوراً آزاد شوند.

۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۸ برابر با اول ماه مه ۲۰۰۹

جبهه ملی ایران (تهران)

می گویند زمانی که قرار بود دادگاه لاهه برای رسیدگی به دعاوی انگلیس در ماجرای ملی شدن صنعت نفت تشکیل شود، دکتر مصدق با هیات همراه زودتر از موقع به محل رفت. در حالی که پیشاپیش جای نشستن همه شرکت کنندگان تعیین شده بود، دکتر مصدق رفت و به نمایندگی هیات ایران روی صندلی نماینده انگلستان نشست.

قبل از شروع جلسه، یکی دو بار به دکتر مصدق گفتند که اینجا برای نماینده هیات انگلیسی در نظر گرفته شده و جای شما آن جاست، اما پیرمرد توجهی نکرد و روی همان صندلی نشست.

جلسه داشت شروع می شد و نماینده هیات انگلیس روبروی دکتر مصدق منتظر ایستاده بود تا بلکه بلند شود و روی صندلی خویش بنشیند، اما پیرمرد اصلاً نگاهش هم نمی کرد.

جلسه شروع شد و قاضی رسیدگی کننده به مصدق رو کرد و گفت که شما جای نماینده انگلستان نشسته اید، جای شما آن جاست. کم کم ماجرا داشت پیچیده می شد و بیخ پیدا می کرد که مصدق بالاخره به صدا در آمد و گفت:

شما فکر می کنید نمی دانیم صندلی ما کجاست و صندلی نماینده هیات انگلیس کدام است؟ نه جناب رئیس، خوب می دانیم جایمان کدام است اما علت اینکه چند دقیقه ای روی صندلی دوستان نشستیم به خاطر این بود تا دوستان بدانند برجای دیگران نشستن یعنی چه؟

او اضافه کرد که سال های سال است دولت انگلستان در سرزمین ما خیمه زده و کم کم بادشان رفته که جایشان این جا نیست و ایران سرزمین آبا و اجدادی ماست نه سرزمین آنان.

سکوتی عمیق فضای دادگاه را احاطه کرده بود و دکتر مصدق بعد از پایان سخنانش کمی سکوت کرد و آرام بلند شد و به روی صندلی خویش قرار گرفت. با همین ابتکار و حرکت، عجیب بود که تا انتهای نشست، فضای جلسه تحت تاثیر مستقیم این رفتار پیرمرد قرار گرفته بود و در نهایت نیز انگلستان محکوم شد. ***

کانادا نخستین روز بهار را «نوروز» نامید

در پی رایزنی های فعالان ایرانی ساکن کانادا به ویژه دکتر مریدی نماینده ایرانی مجلس انتاریو، با رهبر جدید حزب لیبرال و جلب نظر نمایندگان سایر احزاب کانادا، طرح نامگذاری نخستین روز بهار به عنوان «نوروز» به تصویب مجلس کانادا رسید.

متن تصویب نامه مجلس به شرح زیر است:

گرامی داشت نوروز

از آنجا که «نوروز» به معنای «روز نو» در زبان پارسی و همچنین آغاز بهار و سال نو پارسی در تقویم نجومی ثبت شده است و از آنجا که چنین روزی، از دیرباز از سوی بسیاری از اقوام و کشورهای سازنده امپراتوری پارس و تمدن میان رودان - بین النهرین - جشن گرفته می شود و همچنین با توجه به گرامی داشت این روز توسط بسیاری از کانادایی ها، بدینوسیله اعلام می دارد، بر طبق موافقت اعضاء مجلس و مجلس سنا اولین روز بهار در کانادا به عنوان «نوروز» (Nowruz Day) نامگذاری می شود.

یادآوری می شود، نوروز، سال گذشته در مجلس انتاریو، به ثبت رسیده است.

آیا حضور در انتخابات به سود منافع و ... بقیه از ص ۱

جناح حاکمیت یکی اصولگرایان و دیگری اصلاح طلبان مشخص است یکی از اولین کاندیداهای ریاست جمهوری آقای خاتمی بود که به صحنه نیامد و تحت تأثیر فشارها و جریانات مبهم از صحنه خارج شد و جای خود را به آقای میرحسین موسوی نخست وزیر دهه ۶۰ داد. یادآوری دهه شصت و زندانها و اعدامهای آن نشانگر دوران پس تاریک از زندگی مردم ماست. از کاندیداهای دیگر آقای کروبی است که در دوران ریاست مجلس خود سابقه اطاعت محض دارد و در مقابل این دو کاندیدا رئیس جمهور فعلی که می گویند قطعاً کاندیدانوری خود را اعلام می کند ولی چون از همه امکانات دولت و غیردولتی به میزان بالایی بهره می برد و استفاده خواهد کرد اکنون با چراغ خاموش در حرکت است. دوره چهارساله ریاست جمهوری ایشان را هم شاهد بوده ایم. دورانی که در آن کشور ایران به انزوای کامل سیاسی در صحنه بین المللی درآمد دورانی که تورم و نداشتن برنامه ملی صحیح اقتصادی مردم ایران را فقیرتر از گذشته کرد و بسیاری از قشرهای جامعه به زیر خط فقر سقوط کردند. در چهار سال اخیر سرکوب حرکت‌های صنفی و سندیکایی، کارگران و معلمین افزایش روزافزون داشته است. زنانی که برای تساوی حقوق خود با مردان با نوشتن نامه معترض اند به خاطر یک امضا بازداشت و حتی در مهمانی های کمتر از ده نفر هم تأمین ندارند و برخورد با دانشجویان، زندانی کردن و اخراج آنان داستان روزمره شده است.

کاندیداهای اصلاح طلب تقلب نشدن در انتخابات را باور ندارند و بعضی خواستار اصلاحاتی در قانون نظارت استصوابی هستند و اشاره هم به ناکارآمدی قانون اساسی دارند. پیشنهاد کمیته ای برای نظارت داشتند که شورای نگهبان نپذیرفت. نقض حقوق بشر در ایران با بازداشت‌های روزنامه نگاران، معلمان، دانشجویان و زنان از مشخصات اصول گرایان است و با توجه به سالهای قدرت داشتن اصلاح طلبان و اصول گرایان ملت ما می داند که اینان دو روی یک سکه اند و برای مصلحت حاکمیت است که گروهی و یا جناحی جای خود را به دیگری می دهد اصلاح طلبان زمینه ساز قدرت اصول گرایان و بالعکس است حال این با مردم ایران است که با آنچه به نام انتخابات جریان دارد، به آینده ایران بیاندیشند که آیا با شرایط حاکم بر ایران و قوانین موجود آیا می توان با شرکت در انتخابات در سر نوشت خود تأثیر داشت یا خیر؟

آیا حضور مردم در صحنه انتخابات به سود منافع ملی و مصالح ملی است و یا با آنچه موجود است تنها گرم کردن بازار است تا جناحی از حاکمیت از آن بهره ای داشته باشد؟ در آینده باز هم در این مورد با شما گفتگو خواهیم کرد.

از: بهرام معصومی

تأسیس مجدد مکتب خانه ها، ننگی دیگر در کارنامه سیاه سی ساله رژیم

هنوز در افکار پریشان خود پس از خبر دردناک اعدام قریب الوقوع دختر خاتمی ستم‌دیده به نام دلارا دارابی که از قرار در قتل ناخواسته در سن ۱۷ سالگی شرکت داشته است، غوطه ور بودم که سایت رادیو فردا با انتشار خبر هولناک دیگری زیر عنوان: «چهارهزار مدرسه به حوزه های علمیه واگذار می شوند» تار و بود رشته های جان و جهانم را از هم گسیخته و مرا بر آن داشت که لعنت و نفرین ابدی خود را نثار این تازی پرستان نمایم. افرادی که امروزه به نام ایرانی ولی با فرهنگی تازی بر کشور عزیز ما حکم می رانند، از زمره همان کسانی هستند که با اندوه بسیار در خوارشماری و آزارسانی به هم میهنان خود حتی از تازیان پیشی گرفته و هم میهنان خود را گیر، آتش پرست، دشمن خدا، کافر و ... به شمار آوردند و چنان ظلم و ستمی بر آنان روا داشتند که قلم از ذکر آن همه جنایت شرم دارد.

شادروان علی دشتی در بخش یابانی کتاب ارزشمند خود به نام «۲۳ سال» با اندوه و تأسف فراوان به فرومایگی برخی از ایرانیان اشاراتی دارد و می نویسد: «... برخی از ایرانیان در مقام نزدیک شدن به قوم فاتح برآمدند و از در اطاعت و خدمت وارد شدند. هوش و فکر و معلومات خود را در اختیار ارباب جدید گذاشتند، زبان آنها را آموختند و آداب آنها را فرا گرفتند. لغات قوم فاتح را تدوین و صرف و نحو آن را درست کردند و در مسلمانان از خود عرب ها پیشی گرفتند و حتی در مقام تحقیر دین و عادات گذشته خود برآمدند و به همان نسبت در بالا بردن شأن عرب ها و بزرگان عرب تلاش کردند و اصل شرف و جوانمردی و مایه سیادت و بزرگواری را همه در عرب یافتند».

و امروزه حداقل در این سی سال اخیر نیز می بینیم که چگونه به بازسازی امام زاده ها و نوادگان گمنام آنان پرداخته و با تجویز مالیدن آب دهان سیدها بر پیشانی بیماران، بهبودی آنان را نوید دادند و در نهایت چه بر سر آداب و رسوم باستانی و فرهنگ و ادب ایرانیان آوردند.

خبرگزاری مهر گزارش می دهد که بیش از چهارهزار مدرسه در سراسر کشور در اختیار حوزه های علمیه قرار می گیرد. بر اساس تفاهم نامه ای که بین وزارت آموزش و پرورش و حوزه علمیه قم منعقد گردیده است، چهارهزار و دویست واحد آموزشی در مقاطع ابتدائی، راهنمایی و دبیرستان در سراسر کشور به مدت پنج سال در اختیار حوزه های علمیه قرار می گیرد. حوزه های علمیه مسئولیت آموزش های دینی و فرهنگی و همینطور فعالیت های فوق برنامه تربیتی و فرهنگی را بر عهده می گیرند و محتوای مواد و کتاب های آموزشی نیز از سوی حوزه تعیین خواهد شد. البته مدیران این مدارس (مکتبخانه ها) نیز با توافق حوزه تعیین خواهد شد و در گزارشی دیگر حوزه علمیه قم از ایجاد مدارس پیش حوزوی در ایران خبر داده است. بر این اساس قرار است که با همکاری وزارت آموزش و پرورش در سراسر ایران مدارس پیش حوزوی دخترانه در مقاطع ابتدائی، راهنمایی و دبیرستان تأسیس شوند. از قرار تأسیس مدارس پیش حوزوی تنها برای دختران پیش بینی شده است و در این صورت دختران از همان ابتدا تحت آموزش های حوزوی (مکتبخانه) قرار می گیرند. *

جبهه ملی خواهان نظامی است که تضمین کننده حقوق شهروندان باشد

از: نیو نابت

نام نیک رفتگان ضایع مکن

نا بماند نام نیک پایدار

سعدی شیرازی

(۳)

اشاره به برخی نظرگاهها و ماجراهای آن دوره

در دولت مصدق برنامه های گوناگونی در زمینه مسائل صادرات و واردات، مالیه کشور، مالکیت ارضی و وضع کشاورزی و صنایع و به هر حال در همه زمینه ها مطرح بود و البته از دیدگاه نهضت ملی همه مسائل را بررسی می کردند و از جمله در زمینه امنیت اجتماعی هم لایحه ای تنظیم و به تصویب مجلس رسید. از غرایب اینکه این رویکرد آن دوره دولت مصدق را نویسنده ضد مصدقی امروز به عنوان پایه گذاری ساواک بطور غیرمستقیم تخطئه می کند. قبل از ورود به مطلب از نویسنده مطلع و بدون غرض می توان پرسید که آیا در استناد و اشاره به ساواک اجماعی میان افراد این کانون ضد مصدق وجود دارد؟

که وارد شدن به این مبحث بیشتر برای تحریک همه کسانی است که ساواک و اساساً مسئله یک سازمان امنیت را از اقدامات نادرست گذشته می دانند و شاید با این مقدمات پای مصدق را هم به میدان بکشند که بفرمایید اساساً مصدق که بود که ساواک را برپا کرد. بهر حال همه می دانیم که ساواک چندی پس از کودتا در سال ۱۳۳۵ با تقویت تشکیلات فرمانداری نظامی تیمسار تیمور بختیار برپا شد. نفراش به جز معدودی اشخاص صاحب نظر و مجرب (به معنای واقعی کلمه و نه مجرب در سرکوب و کارهای منفی) ترکیبی ضد و نقیض از ارتشی ها (افسر یا درجه دار)، اشخاص تحصیل کرده خارج و داخل، سیاسی ها بویژه توده ای هایی که به هر تقدیر و انگیزه بدان پیوستند و دیگر عنصر از افسار اجتماعی گوناگونی نظیر کارمند و کارگر، ملا و کاسب و دانشجو و ... را شامل می شد.

فلسفه و هدف تشکیل ساواک حفظ امنیت کشور شاهنشاهی و در واقع نظام حاکم بود. همانگونه که مالاها بعدها با دستکاری آن حفظ امنیت و قدرت و موجودیت حکومت خویش را اساس فعالیت تشکیلات امنیتی و اطلاعاتی قرار دادند.

مصدق چگونه به این مسئله می نگریست؟ در آن زمان و در عمل هنوز کاری برای چنین نهادی صورت نپذیرفته بود ولی همه می دانستند و می دانند که مسئله دسترسی به اطلاعات لازم برای حفظ امنیت نظام بخشی از فعالیت هایی است که در همه جای دنیا خصوصاً در دموکرات ترین کشورها رایج است. منتهی همانگونه که اشاره شد در حکومت اقلیت های قلندر و توتالیتر و اهل سرکوب، امنیت و اطلاعات در معادله ای با فلسفه وجودی و هدف و تلاش حکومت برای بقا عمل می کند و طبعاً در نظام دموکراسی همه این فعالیت ها در معادله با

موجودیت کشور و حفظ بقای نهادهای لازم برای یک نظام آزاد معنا باید داشته باشد. برای شناخت مصدق و نگاهش به مسائل مملکتی بهترین کار همان بررسی حال و روز کارهای اوست. او را در بند کردند و اتهاماتی که در آن دوران از سوی مخالفان شخصی و نظامی و ملا برای او ردیف می شد بیشتر حول و حوش تلاش برای فروپاشی نظام کشور و مشروطیت و پادشاهی و امثال اینها بود که خود مصدق پاسخ های لازم را داد ولی بعدها روشن شد که مصدق بیش از دیگران مدافع نظام مشروطه و پارلمان بود و در این زمینه دست کم به یک گواه و در واقع به یک تجدید نظر روی می آوریم و گذر از آن شخص محمد رضاشاه است که بعدها در ۵ آبان سال ۵۷، متعهد شد که بی قانونی گذشته تکرار نشود و قانون اساسی مشروطیت بطور کامل به اجرا در آید و در این مورد دولتی ملی برای آزادی های اساسی و انجام انتخابات آزاد تعیین شود.

و باز در میان اتهامات بی شمار در محاکمه جدیدی که برای مصدق ترتیب یافته سخن ها از کیفیت فراندوم اوائل مرداد ماه سال ۱۳۳۲ پیشنهادی مصدق برای انحلال مجلس می رود. در مورد این که فراندوم مذکور و بالطبع فراندوم بعدی و در سال ۴۱ قانونی بوده یا نه و این که چرا مصدق علیه مجلس شورا به همه پرسى عمومی متوسل شد به راحتی می توان به اسناد و کتابها و مقالات متعددی که تاکنون به چاپ رسیده مراجعه کرد. (راقم این سطور نیز مقاله ای در یکی از شماره های سه پند به چاپ رسانیده که در واقع پاسخگویی به مخالف خوانی های آقای داریوش همایون بوده است و لزومی نمی بینم به تکرار آن مطالب بپردازم. زیرا دیدیم که حتی اگر پادشاه مرحوم برخلاف این جماعت نظر داده باشند پذیرفته نیست).

در این زمینه برای تخطئه فراندوم مصدق دلائلی ارائه شده منجمله به نقل از نشریه لوموند زمان فراندوم چنین آورده اند: «نا ساعت ۹ به وقت محلی سه نفر اعلام رأی «نه» در صندوق حضور یافتند و از این سه نفر تعداد زیادی عکس گرفته شد و از آنها فیلمبرداری شد و مورد اذیت و آزار قرار گرفتند».

بدو جهت اطلاع مدعیان، نتیجه «آری» و «نه» آن روز را بیاوریم. در جمع دو میلیون و چهارصد و سه هزار و سیصد و هشتاد و دو نفر آن را پذیرفتند و هزار و دویست و هفت نفر «نه» گفتند. یعنی اشاره به خبر لوموند آن هم اوائل رأی گیری جز سوء نظر چیزی نیست و در ضمن از آقایان که لوموند را خوانده و هنوز می خوانند می پرسم اگر همه مطالب لوموند بویژه در مورد اخبار و تفسیرهای اوائل انقلاب اسلامی را که خصوصاً زیر نظر «اریک رولو» ی مشهور تنظیم شده می پذیرند می توانند بر آن خبر لوموند هم صحه بگذارند.

دیگر این که اگر فراموش نکرده باشید، پس از فراندوم سال ۱۳۴۱ که نزدیک صد در صد! «آری» گفته بودند یک نفر هم پیدا شد که گویا «نه» گفته بود و از سوی مقامات و حتی خود شاه «دیوانه» اعلام شد و توصیه شده بود هر که مخالف است می تواند از کشور برود.

ادامه دارد

جبهه ملی خواهان نظامی است که تضمین کننده حقوق شهروندان باشد

بیانیه حزب ملت ایران به مناسبت ۳ خرداد

هم میهنان

هر روز که می گذرد اندیشه ملت گرایی به عنوان تنها راه نبل به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی حقانیت تاریخی خود را آشکارتر می کند. این اندیشه بدان سبب ارجمند است که با تجاوز، بیداد، توسعه طلبی و استعمار دشمنی آشتی ناپذیر دارد. از اینروست که زورمداران تمامی توان خود را بکار می گیرند تا مانع شناخت ملت ها از جایگاه شایسته خود شوند. آگاهی یک ملت از حقوق خود باعث یگانگی، یکپارچگی، ارجمند شدن به میهن و هم میهنان به یکدیگر و زیستگاه تاریخی خود و دفاع از آن در برابر دشمنان و بیگانگان می شود. تاریخ به ما آموخته است که راز ماندگاری ایران در نگهداری پیوندهایی است که حیات بالنده ملت را پاسداری می کند و آن در عشق ملت به میهن نهفته است. این پیوندها با همدلی، دوستی، عشق و احترام متقابل اقوام و باشندگان در درون میهن به یکدیگر پالایش می یابد که در هنگامه بودن یا نبودن، هستی یا نیستی موجب آفرینش صحنه هایی می شود و آنگاه که به اوج می رسد معنای فداکاری و از خود گذشتگی می گیرد، تا دیگران و نسل های آینده در شرایطی بهتر بدور از درد و رنج و ستم که زاینده استبداد و استعمار است، آینده خود را بسازند.

هم میهنان! یورش بیگانگان به این سرزمین در گذر زمان هیچگاه بی پاسخ نمانده است، آنگاه که استقلال، شرف و حیثیت ما در خطر قرار می گرفته همه اقوام باشند در سراسر ایران بدور از هر گونه اختلاف به دفاع از میهن برمی خاستند تا حیات ملی آسیب نبیند و سامان یکپارچگی از هم نگسلد. تحریک رژیم بیگانه ساخته بعثی عراق و مسلح کردن آن برای یورش به ایران را باید ادامه روند پیشین دشمنان ملت ایران به حساب آورد، تخریب شهرها و روستاها و شهید و مجروح و آواره کردن میلیون ها تن از مردم کشورمان از بی آمدهای این یورش ناجوانمردانه است که امپریالیست ها توسط دست نشاندگان تازی خود در منطقه انجام دادند و علی رغم نا کار آمدی پاره های کاربردستان در دفاع میهنی، دفاع همه جانبه ملت از پیر و جوان، زن و مرد از هر بخش از سرزمین مقدس مان، چنان کوبنده و پرخروش بود که در تاریخ ایران و جهان کم سابقه است. استعمارگران شمالی و جنوبی و مزدوران منطقه ای آنها که همواره رؤیای تجزیه ایران را در سر پروراندند بیکار در جریان نهضت ملی که منجر به ملی شدن صنعت نفت شد، تحقیر شده بودند اینبار با شعله ور ساختن آتش جنگ کمر به انهدام استقلال ایران بسته بودند تا برای همیشه بساط چپاول استعماری خود را در این سرزمین بگسترانند. اما ماشین جنگی امپریالیست ها و سلطه گران و دست نشاندگان حقیر آنان در رویارویی با حرکت میلیون ها ایرانی دوشادوش نیروهای مسلح دلیر و دیگر نیروهای مردمی، به گل نشست و سر نوکر، نشاندار آنان در مفاک بویناک خلیفگان تازی بغداد خزید و آنگاه که بی مصرف شد سرنوشتی چونان دیگر دست نشاندگان یافت. رزم نامه ای که سلاحداران شجاع ایران، در جریان جنگ سرنوشت ساز پدید آوردند، بدون شک در تاریخ جنگ های میهنی بی مانند است و پرچم هایی که بر مزار شهیدان میهن مان برافراشته است بیان کننده این واقعیت است و مصداق این سخن حکیم سخن عالیجناب فردوسی:

همه روی یکسر به جنگ آوریم

جهان بر بداندیش ننگ آوریم

همه سر به سر تن به کشتن دهیم

از آن به که کشور به دشمن دهیم

رانند مزدوران بیگانه تا این دندان مسلح از خرمشهر حماسه ای بود که فرزندان میهن پرست، رشید و آگاه ایران آفریدند تا ایران

زنده بماند. درود بر همه شهیدان راه سرافرازی و استقلال ایران، درود بر حماسه سازان خرمشهر.

هم میهنان! سوم خرداد ماه ۱۳۶۱ از روزهای سرنوشت سازی است که پهلوانان میهن این هم تباران آرش کمانگیر، نشان عشق به میهن را در خرمشهر و جای جای ایران بر تارک جنگ های میهنی ثبت کردند و درس آموز ملت ها شدند. ملت ما در جریان دفاع از میهن آموخت که با تکیه بر آگاهی و توان بی انتهای ملی هر ترفند ضد ایرانی یورش به هر بخش از ایران به هر دلیل و هر دستاویزی و از سوی هر قدرتی با پاسخ توفنده و یکپارچه ملت ایران رو به رو خواهد شد و ایرانیان از آذری، گرد، بلوچ و عرب، ترکمن، تهرانی، اصفهانی و ... در دفاع از میهن چند هزار ساله خود از هیچ ستیزه گری نخواهند هراسید. چه رسد به پاسخگوئی درخور به زان خایی شیخ های مزدور حاشیه خلیج فارس و دیگر همپالکی های تازی آنان که در لباس دوست ظاهر شده اند، اینان گرگ بچه های منتظر فرصت اند. که امروز با اندوه در سایه بی درایتی و تحلیل نادرست کاربردستان از ژرفای استراتژیک ملی در جغرافیای سیاسی منطقه و جهان، پاره ای از آنان از خوان بی دریغ ملت ایران به لفت و لیس مشغولند و در نهان چشم طمع به حاکمیت ملی ما دارند، به راستی اینان ثابت کرده اند نه اسرائیل را، که ایران را دشمن خود می پندارد و ایرانیان با بهره گیری از تجربه های تاریخی و رفتار خصمانه آنان در درازای تاریخ با ملتیمان اگر، تازبان را دشمن استراتژیک خود بدانند اشتباه نکرده اند. چه این بادیه نشینان که عمر هستی شان ۶۰ سال بیش نیست در برابر فرهنگ و تمدن ماندگار و کهن ایرانیان احساس حقارت فرهنگی و تاریخی می کنند و دریافته اند با دلارهای نفتی هم فرهنگ و تمدن خریدنی نیست. این جویندگان هویت حتا نام بزرگان و دانشمندان ایرانی را جعل کرده آنان را بخود منتسب می کنند و یا اخیراً دوست به اصطلاح استراتژیک جمهوری اسلامی بشار اسد نیز در تازه ترین اظهار نظر به نقل از روزنامه اعتماد ملی در ۲۰ اسفندماه ۸۷ گفته است: «در اختلاف میان امارات و ایران بر سر جزایر سه گانه با مواضع امارات موافقیم» در عوض در حالیکه ۶۰ درصد مردمانمان زیر خط فقر زندگی می کنند. دولت جمهوری اسلامی از ذخایر نفتی ملتمان بلاعوض به اینگونه دوستانش حاتم بخشی می کند و با دریغ در برابر زان خایی های آنان نه تنها ساکت نشسته اند که در مهمانی آنها زیر تابلو مجعول خلیج «عربی» نیز می نشینند و بر این عمل خود افتخار هم می کنند و در الیگارشی قدرت در جمهوری اسلامی، نهادی نیست که اینان را باز خواست کند. ولی اگر دانشجویی بگوید آزادی یا جانبازی بگوید گرسنه مان باید او را به بند انداخت تا از گفته خود بشیمان شود و بر این عمل خود عدالت محوری و مهرورزی نام نهند.

هم میهنان! حزب ملت ایران سنگر میهن پرستان، سوم خرداد سالروز حماسه آفرینی فرزندان دلیرمان در دفاع از میهن و رویارویی با بعثیون جنایت پیشه عراق را گرامی می دارد و بر تمامی آن حماسه آفرینان از صمیم قلب شاد باش می گوید و بر روان تابناک شهیدان میهن درود می فرستد و از کاربردستان جمهوری اسلامی می خواهد از دیپلماسی واکنشی ترس خورده نسبت به تازبان نمکدان شکن دست بردارد و بجای روی آوردن به این منافقان و جستجوی انباز میان آنان، به ملت روی آورد و با پس دادن تمام حقوق ملت به ملت گام نخست این بازگشت را بر دارد.

پر توان باد بازوان نگهبانان راستین مرزهای ایران

درود بر شهیدان و جانبازان دفاع بزرگ میهن

برچیدن زندان سیاسی یک خواست ملی است

پیروز باد ملت ایران

دبیرخانه حزب ملت ایران، تهران سوم خرداد ۱۳۸۸ خورشیدی

جبهه ملی از برابری حقوق زن و مرد دفاع می کند

بیزاری مردم نسبت به نمایش انتخابات

بقیه از ص ۱

هستند و اراده مردم را در سرنوشت خود و اداره مملکت نادیده می‌انگارند؛ نظامی که با مردم کشور چون دشمن و از نظر فکری چون صغار رفتار می‌کند؛ شرکت کردن در انتخابات و رأی دادن به نامزدهایی که از صافی شورای نگهبان گذشته‌اند، چه دستاوردی برای مردم استبدادزده و مصیبت کشیده ایران می‌تواند داشته باشد؟

به یاد آوریم: در تمام دورانی که احزاب کمونیست، در روسیه شوروی سابق و کشورهای اروپای شرقی حاکم بودند و آنان بودند که چند تن را بعنوان نامزدهای انتخابات معین و اعلام می‌کردند و مردم ناگزیر از میان برگزیدگان حکومتی، نمایندگان خود را بر می‌گزیدند، هرگز دیده یا شنیده نشد که رسانه‌های خبری دنیای صاحب دموکراسی از آن نمایشات به نام انتخاباتی آزاد یاد کرده باشند.

در حالی که از انتصاباتاتی که به همان شکل و شیوه در جمهوری اسلامی برگزار می‌گردد، با عنوان انتخاباتی آزاد یاد می‌کنند و نتایج آنرا تأیید و به رسمیت می‌شناسند.

یکی از علل این یک بام و دو هوا بودن شاید این بوده باشد که غرب، روسیه شوروی سابق و کشورهای پیمان ورشو را دشمنان خود می‌دانست.

درحالی‌که با وجود تمام تهدیدهای توخالی و برخوردهای لفظی سردمداران جمهوری اسلامی علیه غرب به ویژه آمریکا، آنان جمهوری اسلامی را نه دشمن که دوست خود می‌دانند، همچنان که در سی سال گذشته پنهان و آشکار نشان داده‌اند.

اکنون یک بار دیگر نمایش انتخاباتی در راه است با همان سبک و سیاق گذشته.

شورای نگهبان منتخب رهبر، صلاحیت نامزدهایی را تصویب می‌کند که سرسپرده نظام و مورد اطمینان و عنایت رهبرند، سپس از مردم خواسته می‌شود به پای صندوق‌های رأی گیری رفته به یکی از نورچشمی‌های رهبر رأی بدهند.

نام این نمایش را انتخابات آزاد می‌گذارند و دنیای صاحب دموکراسی هم که بی‌تابانه در پی دانستن نتیجه آن است، بر آن مهر تأیید گذارده و نتایج آنرا به رسمیت می‌شناسد و آنرا با بوق و گُرنا بخورد افکار عمومی مردم خود می‌دهند.

شوربخانه شماری از جناح اپوزیسیون خراج از حاکمیت هم حضور مردم در چنین نمایشی را ضروری تشخیص داده، شرکت در آن را تمرین کردن دموکراسی دانسته و از مردم می‌خواهند به پای صندوق‌های رأی گیری رفته از میان بد و بدتر به بد رأی دهند!

در نظام استبدادی مذهبی حاکم بر ایران که حاکمیت نه از مردم بلکه از امداد غیبی حقانیت می‌گیرد.

طبیعی است آزادی بیان و نوشتار وجود نداشته باشد.

حتی نمایندگان مجلس شورای اسلامی هم حق ندارند بدانند میلیاردها دلار درآمد نفت و گاز چه شده و به چه مصرفی رسیده است.

در چنین شرایطی چگونه می‌توان تمرین دموکراسی کرد؟ می‌دانیم، جناحهای قدرت درحاکمیت اسلامی در هر زمینه‌ای که با هم اختلاف داشته باشند در مورد بقای نظام هم رأی و همراهند.

لازمه بقای نظام سرکوب مخالفان یعنی از میان بردن آزادی و استقرار حاکمیت مردم است.

همه جناح‌ها قانون اساسی جمهوری اسلامی را گردن مینهند و خود را سرسپرده ولایت فقیه می‌دانند.

از این رهگذر هیچ تفاوتی میان وابستگان به جناح‌ها نیست. با این ترتیب کدام یک از آنها را می‌توان بد و کدام را بدتر شمرد؟

همه جناح‌ها حضور مردم را در نمایش قلابی انتخابات به سود بقای نظام می‌دانند و مردم را تشویق به شرکت در رأی گیری می‌کنند.

به این منظور می‌کوشند با ایجاد هیاهو بسیار از بهر هیچ بازار تبلیغات را گرم کنند.

آیا تشویق مردم به شرکت کردن در چنین انتخاباتی هم سویی و به سود نظام نیست؟

مردم می‌خواهند بدانند چه تفاوتی میان نامزدها هست که از آنها دعوت می‌شود که در انتخابات شرکت کنند و بر گزینش شورای نگهبان و خواست رهبر نظام مَهر تأیید زنند؟

چه عامل و سیاستی باعث گردید که برخی از سازمانها و فعالان سیاسی خراج از حاکمیت با اپوزیسیون درون حاکمیت هم صدا شده و مردم را برای شرکت در انتخابات تشویق می‌کنند؟

برگردیم به این موضوع که برنامه و انتظارات جناح‌های حاکمیت اسلامی از انتخابات این دوره چیست؟

جناح وابسته به رهبری نظام خواهان حضور گسترده مردم در انتخابات است تا به دنیای خراج نشان دهد که نظام ولایت فقیه و رهبر آن مورد تأیید ملت ایران است و با این ترتیب در دیدارهای احتمالی آینده با آمریکا دست پر را داشته و از موضع قدرت گفت و گو نماید.

گروه‌های گردآمده در جناح به اصطلاح اصلاح طلب! نیز از حضور مردم در انتخابات دو منظور را پی‌گیری می‌کنند.

نخست خشنود کردن رهبر نظام.

دوم آنکه شرکت گسترده مردم در انتخابات را به سود نامزد خود ارزیابی می‌کنند.

این جناح تصور می‌کند با نامزد کردن محمد خاتمی و یادآوری اینکه در دوران ریاست جمهوری او شرایط اقتصادی و وضع مردم بهتر از امروز و فشار بر آنها کمتر بود، می‌تواند مردم را تشویق به رفتن پای صندوق‌ها و رأی دادن به خاتمی نماید.

آیت الله خامنه‌ای که دست رقیب دیرینه خود حجت الاسلام رفستجانی را خوانده بود، و اجرای این برنامه را به زبان نامزد مورد نظر خود می‌دید، با تشویق میرحسین موسوی به نامزدی خود، در عمل اصلاح طلبان را در بن بست قرار داد و باعث سردرگمی و پاشیده شدن ائتلاف آنان گردید.

رفستجانی نیز متقابلاً با فرستادن محسن رضایی به صحنه کارزار نمایش انتخابات امیدوار است که حمایت بخشی از نیروهای بسیج و سپاه پاسداران را به سوی او بکشد و بخت احمدی نژاد را کاهش دهد.

آنچه قابل پیش بینی است، این است که احمدی نژاد و میرحسین موسوی مورد حمایت خامنه‌ای می‌باشند.

اسامی چهار تن نامزدهایی که صلاحیت‌هایشان از سوی شورای نگهبان تأیید شده نشانه و گویا این حمایت است.

بقیه در ص ۸

نی نی به تقلب انتصاباتی شد

دعوی چه کنی که انتخاباتی شد

خبرهای ورزشی

قهرمانان وزنه برداری ایران قهرمان آسیا

قهرمانان وزنه برداری ایران با کسب ۵۸۳ امتیاز و کسب شش نشان طلا و شش نقره و سه برنز به مقام قهرمانی آسیا رسیدند.

سهراب مرادی در وزن ۷۷ کیلوگرم و رشید شریفی در وزن فوق سنگین نشان های هر سه رشته را از آن خود نمودند.

در وزن ۱۰۵ کیلوگرم اصغر ابراهیمی سه نشان نقره کسب کرد.

بهداد سلیمی نیز در وزن فوق سنگین موفق شد نشان های طلای هر سه رشته را از آن خود نماید.

رسول تقیان در وزن ۶۹ کیلوگرم دارنده سه نشان برنز گردید.

تیم کشتی فرنگی ایران قهرمان آسیا

در مسابقه های کشتی فرنگی آسیا تیم کشتی فرنگی ایران با کسب ۶۰ امتیاز و چهار نشان طلا و یک نشان برنز به مقام قهرمانی رسید. تیم های قزاقستان و کره جنوبی دوم و سوم شدند.

فرشادعلیزاده در وزن ۷۴ کیلوگرم، طالب نعمت پور در ۸۴ کیلوگرم، امیرعلی اکبری در ۹۶ کیلوگرم و مسعود هاشم زاده در فوق سنگین نشان طلا گرفتند. سعید عبدولی در وزن ۶۶ کیلوگرم صاحب نشان برنز شد.

همچنین محمد فقیری در وزن ۵۵ کیلوگرم و حمید باوفا در ۶۰ کیلوگرم به مقام پنجم رسیدند.

تیم واترپولوی جوانان ایران قهرمان آسیا

تیم واترپولوی جوانان ایران در مسابقه های آسیائی و گزینش برای مسابقه های جهانی به مقام قهرمانی آسیا رسید.

امیرحسن براتی، مهدی دابی، محمدحسین و تقی محمدی، علیرضاسلطانی و امین صالح نژاد اعضای تیم جوانان ایران را تشکیل می دادند.

تیم بسکتبال مهram قهرمان جام باشگاه های آسیا

در مسابقه های نهایی بیستمین دوره باشگاه های آسیا که در جاکارتا پایتخت اندونوزی برگزار شد، تیم مهram به مقام قهرمانی آسیا رسید.

تیم مهram در جریان مسابقه های آسیا با هفت پیروزی بدون شکست موفق شد سکوی قهرلانی را برای سومین سال متوالی در اختیار ایران نگهدارد.

در دو سال گذشته تیم صبا باتری به مقام قهرمانی آسیا رسیده بود.

خبرهای داخلی

بیش از هفتاد درصد تهرانیان زیر خط فقر زندگی می کنند

به گفته یکی از نمایندگان مجلس اسلامی چنانچه خط فقر را ۸۵۰ هزار تومان برای یک خانواده پنج نفری بدانیم، بیش از هفتاد درصد مردم تهران زیر خط فقر زندگی می کنند.

تحصن بازنشستگان هواپیمایی هما

شمار زیادی از بازنشستگان شرکت هواپیمایی ایران (هما) در برابر دفتر مرکزی تحصن کردند. آنها علت تحصن خود را عدم پرداخت حقوق عقب افتاده خود و اجرا نشدن نظام هم آهنگ پرداخت در هواپیمایی ملی ایران می دانند.

اعتصاب کارگران لاستیک سازی دنا

کارگران کارخانه لاستیک سازی دنا در شیراز در اعتراض به کارکرد مدیریت کارخانه و اخراج چهار تن از نمایندگان خود دست به اعتصاب زدند.

گردهم آیی ایرانیان مقیم مالمو (سوئد)

نظواهرات ایرانیان مقیم مالمو (سوئد) در اعتراض به جمهوری اسلامی، به درگیری تظاهرکنندگان و پلیس سوئد انجامید و شماری در این رابطه بازداشت گردیدند.

بازداشت یکی از فعالان تبریز

نقی احمدی آذر نویسنده و فعال فرهنگی در روز پانزدهم فروردین توسط عوامل اداره اطلاعات و امنیت تبریز بازداشت شد.

خانواده احمدی آذر می گویند، احتمال می دهند بازداشت نامبرده در رابطه با آثار و کتابهای منتشر شده توسط وی باشد.

خودکشی یک دانشجوی دیگر

علی اکبر قربانی یکی از دانشجویان دانشگاه طباطبائی اقدام به خودکشی کرد. متأسفانه تلاش برای نجات او ثمربخش واقع نشد.

علت خودکشی او روشن نیست. او دومین دانشجویی است که در ماههای اخیر اقدام به خودکشی کرده است.

سروده بیرنگ، شاعر برجسته افغان

در گذرگاه تاریخ

بهاران رفت و آمد برگ ریزان
چمن خاموش و پژمرده است بستان
به کاخ ما که بنیانش سخن شد
چه خواهد کرد دست روزگاران؟
زگردش های چرخ لاجوردی
گزند ایوان همی بیند نه دیوان
ندارد پارسی تبریز و ترند
اگر صابر سراید یا که قطران
پدرهامان نمی کردند تفویق
خجند و کابل و مرو و صفاهان
خراسان بزرگیشان وطن بود
هرات و غزنه و خوارزم و کاشان
به یاد آریم روزانی که آن دم
درختی بود هر سو سایه افشان
درخت باور، نامش خراسان
درخت سایه گستر نامش ایران

خوانندگان گرامی می توانند مطالب خود را جهت چاپ در
نشریه جبهه ملی خارج کشور، به نشانی زیر بفرستند.
راه تماس با سازمان جوانان جبهه ملی خارج از کشور:

www.javanane-melli.de
info@javanane-melli.de

نشریه

جبهه ملی ایران

خارج کشور

با مسئولیت هوشنگ کردستانی زیر نظر
هیأت تحریریه

هوشنگ کردستانی، مهندس مسعود هارون مهدوی،
دکتر امیر هوشمند ممتاز و دکتر حسن کیانزاد هر ماه یک
بار در خارج از کشور انتشار می یابد
نوشته‌های با نام نویسنده در نشریه جبهه ملی ایران
خارج کشور، الزاماً نظر جبهه ملی ایران نیست.

بیزاری مردم نسبت به نمایش انتخابات

بقیه از ص ۶
به امکان زیاد سرانجام نامزد مورد حمایت خامنه ای خواهد بود
که از صندوق شعبده بازی انتخابات بیرون خواهد آمد.

آمریکا و قدرتهای اروپایی در انتظارند: نتیجه انتخابات، پیروزی
شخص دیگری غیر از احمدی نژاد باشد (احتمالاً میرحسین
موسوی) تا بتوانند دیدارها و گفت و گوهای احتمالی آینده خود با
جمهوری اسلامی را که برای آن الویت قائلند برای افکار عمومی
خود توجیه نمایند.

از این رو از نامزدهای جناح اصلاح طلب حمایت می کنند.
بخش فارسی رادیو تلویزیون های آنها بطور غیرمستقیم این
هدف را پی گیری می کنند.

اما مردم در مقابل، تصمیم گرفته اند با عدم شرکت در نمایش
انتخابات و تحریم قاطع و کامل آن، بیزاری و مخالفت عمیق خود را
از این نمایش، گسترده تر و باشکوه از گذشته نشان دهند.

از دید آنها همه جناح های قدرت در حاکمیت اسلامی، شریک
جرم در بدبختی ها و جنایت هایی هستند که در سی سال گذشته
بر سر مردم آزادخواه ایران آمده است.

شگفتی آنها در این است که چرا بخشی از اپوزیسیون خارج از
حاکمیت موضع خود را با جناحهای درون حاکمیت هم آهنگ و
همسو کرده است؟

اگر جناحهای درون حاکمیت به این حقیقت رسیده اند که سی
سال پس از استقرار جمهوری اسلامی، مملکت دارای دولت به
مفهوم واقعی نیست، امور کشور از هم گسسته، تورم و گرانی کمر
مردم را خم کرده، ناداری و فقر باعث رواج و گسترش فساد و فحشاء
شده و ادامه این وضع ناهنجار می تواند شیرازه مملکت را از هم
بپاشد چرا موضع خود را با خواست مردم هم آهنگ و همسو
نمی کنند؟

چرا خانمی ها و رفسنجانی ها انتخابات را تحریم نمی کنند.

چرا گروهی ها و موسوی ها از انتخابات کنار نمی کشند؟

مردم چرا باید برای تداوم بخشیدن به بدبختی هایی که عده ای
به نام دین و امام زمان سی سال است بر سرشان آورده اند برای
پیروز شدن جناح های همین حاکمیت از آنها حمایت نمایند.

من بعنوان عضو قدیمی حزب ملت ایران و شورای مرکزی
جبهه ملی که خود را عضو کوچکی از ملت بزرگ ایران می دانم به
هم میهنان عزیز یادآور می شوم بر اراده خود بر تحریم انتخابات
پای برجا بمانید و تحت هیچ شرایطی وارد بازی ساختگی انتخابات
نشوید.

ما ایرانیان - بانوان، جوانان، دانشجویان، کارگران، معلمان،
کارمندان و ... دارای درد مشترک هستیم. درد مشترک، وضع
اسفناک و مرگبار و غیرقابل تحمل کنونی است. و سرنوشت آینده
نسل کنونی و نسل های بعدی وطن ماست.

همچنین آرمان مشترک: کسب آزادی، برقراری حاکمیت ملی،
رهایی از دست کسانی که دین و مذهب را بازیچه امیال ضد انسانی
و ضد ملی خود کرده اند و ...

درد و آرمان مشترک می تواند و باید ما را بهم نزدیک کرده و
عامل یگانگی و همبستگی ملی گردد.

برای پدید آوردن یک همبستگی و یگانگی قدرتمند و
پرتوان ملی، باید همراه و به اتفاق اقدام نماییم.

عدم شرکت در نمایش انتصاب ریاست جمهوری اسلامی آزمونی
است تاریخی از اراده استوار ملتی بزرگ، در راستای ایجاد
همبستگی ملی و رهایی ایران.
